



Available online at <http://jgu.garmian.edu.krd>



Journal of University of Garmian

<https://doi.org/10.24271/garmian.24.11C31>

مقایسه شگردهای تصویرسازی احمد جاف و شیخ احمد شاکلی در اشعار عاشقانه

پرینسا گلستانی

پژوهشگر و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان - ایران

Article Info		چکیده:
Received:	September, 2023	تصویر یکی از شگردهای بلاغی در شعر است که شاعران احساسات، عواطف و تخیل خود را درباره موضوعات گوناگون با استفاده از آن بیان می‌کنند. احمد جاف و احمد شاکلی دو تن از شاعران نام‌آور گرمیان هستند که تصاویر درخشانی در غزل‌های عاشقانه خود آفریده‌اند که به دلیل بازتاب صمیمانه احساسات و عواطف عاشقانه آن‌ها برای خواننده دلنشین است. آن‌ها هر دو دلبستگی عمیقی به سرزمین خود دارند و بسیاری از تصاویر خود را با عناصر طبیعی و فرهنگی شهر و دیار خود ساخته‌اند. از سوی دیگر هردوی آن‌ها نظر به شعر شاعران فارسی‌گو دارند. احمد جاف شعر فارسی نیز سروده اما احمد شاکلی ملمع‌های کردی، فارسی سروده است. زادگاه برای هر دو به مثابه مادر و معشوق است و به آن عشق می‌ورزند. در نتیجه، شهر در شعر آن‌ها شخصیت‌بخشی می‌شود، شخصیت شهر و معشوق درهم می‌آمیزد و شاعر شاعرانه و ستایشگرانه از آن سخن می‌گوید. تشبیه در شعر هر دو پررسان است. در شعر احمد جاف غلبه با تشبیه تفصیل است و در شعر احمد شاکلی تشبیه بلیغ دارای بسامد بیشتری است. شعر احمد جاف روایت وصل است و شعر احمد شاکلی از هجر سخن می‌گوید. معشوق در شعر احمد جاف رخ می‌نماید و در شعر احمد شاکلی با موهایش چهره می‌پوشاند. تلمیح به عشق لیلی و مجنون و یوسف و زلیخا در شعر هر دو برجسته است. تقابل، کنایه، انواع استعاره، رمزهای اسطوره‌ای و... از دیگر عناصر تصویرسازی این دو شاعر است. تصاویر شعر آن‌ها اغلب حسی و برگرفته از طبیعت زیست. بوم آن‌ها است. در این مقاله سعی می‌شود با بهره‌گیری از سبک-شناسی لایه‌ای، لایه بلاغی تصاویر آن‌ها بررسی و با هم مقایسه شود تا سبک فردی هر یک از این دو شاعر معرفی شود.
Revised:	February, 2024	
Accepted:	March, 2024	
Keywords		بلاغت، شگرد، سبک‌شناسی لایه‌ای، تصویرسازی، طبیعت، عاشقانه، احمد مختار جاف و شیخ احمد شاکلی
Corresponding Author		

مقدمه:

در این مقاله، تلاش خواهیم کرد به گردآوری و بررسی شعرهای شاعران بزرگ گرد، احمد مختار جاف و شیخ احمد شاکلی بپردازیم تا زیبایی‌ها و عمق‌های معانی آثار آن‌ها را بر ملا کنیم.

این شاعران با استفاده از دو زبان فارسی و کردی، به خوبی احساسات و تجربیات شخصی خود را در قالب شعرهایی چند زبانه باز می‌کنند. با ترکیب عناصر زبانی متنوع چون تشبیه، جناس، واج‌آرایی غنی، حسن طلب، دلبستگی به مکان‌های زیبای طبیعت و شهرهای خود، آن‌ها تصاویر زنده و فراموش‌نشده‌ای از زندگی را آفرینند.

در این مسیر، شیوه‌های آن‌ها در بازآفرینی تجربیات، استفاده از واژگان نوآورانه، و ایجاد انطباق بین احساسات و کلمات را بررسی خواهیم کرد. همچنین، به بررسی تأثیر محیط زیست و جغرافیا بر آثار آن‌ها می‌پردازیم. در این سفر شعری، اهمیت دو زبانی در ایجاد یک تجربه هنری چندگانه نیز مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. هنرمند کسی است که مخیل و تصویری و عاطفی می‌اندیشد و می‌بیند و بیان می‌کند (شمیسا، 1370: 17).

تصویرسازی اصطلاحی است که در ادبیات برای زیبا شدن متن و اشعار و توصیف و بیان حالت استفاده می‌شود. تصویرسازی همان ایماژ اروپاییان است. تصویر حاصل احساس و گاهی تجربه شاعر است و ارتباط تخیلی که شاعر با جهان اطراف خود برقرار می‌کند و تصاویر گوناگونی را به وجود می‌آورد. گاهی شاعر زیبایی و گاهی اعتراض خود را از طریق این تصاویر بیان می‌کند. همچنین در این مقاله به تمایزها و تشابهات این دو شاعر بزرگ می‌پردازیم و بسامد تصویرسازی در اشعار احمد مختار جاف و شیخ احمد شاکلی بررسی می‌شود.

پیشینه

در مورد احمد مختار جاف تا حالا چند بار دیوان این شاعر چند بار چاپ شده است و آخرین بار کاروان عثمان خیاط (پنپن) مجموعه آثار احمد مختار جاف را در انتشارات کردستان سندج در سال 2023 چاپ کرده است. دو بار همایش بین المللی برای احمد مختار جاف در شهر حلبچه اقلیم کردستان برگزار شده، بار اول در سال 2013 و در این همایش کاروان عثمان خیاط مجموعه‌ای چاپ نشده این شاعر را اعلام کرده است و مقالات این همایش به صورت کتاب در این همایش تقدیم شده است، بار دوم در سال 2016 همایش برگزار شده و مقالات اسن همایش منتشر نشده است. در اقلیم کردستان عراق مقالات و پایان‌نامه‌هایی کار شده که می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد پایان‌نامه دکتر هیمن کریم که در سال 2021 به صورت کتاب نیز منتشر کرده است، محقق عنوان پایان‌نامه‌اش «روونی‌پژئی له شیعیری ئه‌حمه‌دموختار جافدا» است و دو مقاله علمی پژوهشی چاپ کرده است، مقاله‌ای به عنوان «هیماکانی چاو و په‌یوه‌سته‌کانی له شیعیری حافز و ئه‌حمه‌دموختار جاف» 2019 که «زمان‌ناسی و بووتیقا» در دانشگاه کردستان سندج در مجله کوردینامه بین‌المللی منتشر شده است. مقاله دوم به عنوان «درکه و خواستن، خسته‌پووی و اتا شاراوه‌کانی دهق، به نمونه دهقه شیعیریه‌کانی ئه‌حمه‌دموختار جاف»، که در سال 2021 مجله بین ملی کوردینامه شماره پنج صفحه 97-112 چاپ کرده است. پایان‌نامه‌ای دیگر زیر عنوان «بزوتنه‌وه‌ی رووناکییری له ئه‌ده‌بی کوردیدا به نمونه‌ی شاعیران - ئه‌سیری و ئه‌حمه‌دموختار جاف-» از سردار فایق مجید در سال 2019 در دانشگاه سلیمانیه دفاع شده است.

سعد فاروق در سال 2011 پایان‌نامه ارشد خود را به عنوان «بنیاتی هونه‌ری له شیعیری ئه‌حمه‌دموختار به گی جافدا» دفاع کرده است و پایان‌نامه‌اش درباره ساختار هنری اشعار احمد مختار است. مقاله آخر مقاله‌ای است از سردار گردی در شماره پنج مجله دانشگاه سلیمانیه و در سال 2001 منتشر شده است، این مقاله به عنوان «لیکچواندن و روئی له دروستکردنی وینه‌ی هونه‌ری له شیعیریه‌کانی ئه‌حمه‌دموختار به گی جافدا» پژوهشگر به به انواع هنر شنبیه و مقایسه و انواع خلق تصاویر هنری در شعر احمد مختار بیگ پرداخته است. هرچه درباره شیخ احمد شاکلی هست، به جز همایشی که برایش برگزار کرده‌اند و مقاله‌هایش چاپ شده است، هیچ موضوعی درباره این موضوع نوشته نشده است.

اگر به صورت کلی نگاه کنیم در مورد صنایع ادبی در این دو شاعر بسیار کم کار شده است. در موضوعات ملی احمد مختار نه تنها فریاد نمی‌زند و درد خود را بیان می‌کند بلکه گاهی دلیلی نیز دارد کشور در ذهن شاعر کل کردستان است و شاعر مجنون کشور لیلی صفت را نمی‌شناسد، اگر به آثار او نگاه کنیم خواهیم دید احمد مختار یک ملی‌گرای واقعی نیست و ملت و کشور خود را بیش از هر چیز دیگری دوست دارد. احمد مختار جاف و شیخ احمد شاکلی هردو از درد جامعه می‌گویند و دلبستگی آنها به وطنشان در اشعار آنها کاملاً نمایان است.

شگردهای بلاغی

شگردهای بلاغی در حوزه‌های بیان، بدیع نظام موسیقایی و گاهی معانی رخ می‌دهد. شاعران و نویسندگان با استفاده از شگردهای این علوم هم به شعر خود زیبایی می‌بخشند و هم در حوزه معنا لایه‌های چندگانه‌ای ایجاد می‌کنند. در این مقاله به توجه به بسامد انواعی از این شگردها در شعر این شاعران به آنها پرداخته می‌شود.

مجاز Allowed

برای مجاز انواع مختلفی قائل شده‌اند. مجاز مفرد را مجازی دانسته‌اند که یک لغت در معنایی جز معنی اصلی و موضوع آن به کار رود از قبیل «شیر» در مورد مرد شجاع، ولی اگر جمله را به عنوان مجازی خوانده‌ایم، در آن صورت، مجازی است از طریق معقول و نمی‌توان آن را به لغت مربوط دانست و هیچ پیوندی با مسأله مورد نظر واضح ندارد و فقط با مقصود متکلم ارتباط دارد، مجاز بر دو گونه عقلی که از اسناد و نسبت چیزی به چیزی که از آن او نیست، نوع دوم مجاز لغوی که نقل کردن و انتقال دادن الفاظ است (کدکئی، 1391: 99).

مجاز مرسل

مجاز مرسل مجازی است که علاقه بین دو طرف استعمال علاقه‌ای غیر از مشابهت باشد، مثل به کار بردن دست به معنی نعمت، به این اعتبار که به طور عمومی صدور نعمت‌ها از دست است و بدینگونه دست به جای نعمت به کار می‌رود. (همان: 104).

تصویر سازی

شاعران از شگردهای متعددی برای ساختن تصاویر خود بهره می‌برند.

تشبیه simile

تشبیه در علم بیان به عنوان یکی از صنایع معنوی به شمار می‌رود. «تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی» (شمیسا، 1370: 50). یکی از کارکردهای تشبیه ایجاد موسیقی است؛ «تناسب معنایی یا موسیقی معنوی بر اثر همانند کردن امر یا اموری به امر دیگر ایجاد می‌شود. یعنی ژرف ساخت برخی از صنایع معنوی تشبیه است، تشبیه ادعایی ماندگی بین دو چیز است (همان: 59).

با توجه به مطالب ذکر شده هرآنچه که واقعیت داشته باشد تشبیه نیست. در تشبیه کمتر وجه شبه وجود دارد، چون کلام ادبی باید خیالی و تخیل در آن وجود داشته باشد و با ذکر وجه شبه از این کاسته می‌شود.

انواع تشبیه

بلاغیون تشبیه را از زوایای گوناگون نگریسته‌اند و آن را بر این اساس به انواعی تقسیم کرده‌اند. یکی از این انواع به اعتبار این است که عناصر تشبیه همگی در ساختار تشبیه ذکر می‌شوند یا نه. آن را به مجمل و مفصل تقسیم کرده‌اند.

تشبیه مفصل و مجمل

اگر وجه شبه ذکر شده باشد، مفصل و اگر ذکر نشده باشد تشبیه مجمل می‌گویند. ممکن است در تشبیه مؤکد یا تشبیه بالکنایه یا تشبیه محذوف الادات گفته می‌شود و این بهتر از تشبیهی است که در آن ادات تشبیه ذکر شود و در این صورت به آن تشبیه مرسل یا صریح می‌گویند (همان: 60).

تشبیه بلیغ

تشبیهی که در آن نه وجه شبه ذکر شده و نه ادات تشبیه، تشبیه بلیغ نام دارد (همان: 61).

تشبیه خیالی و وهمی

تشبیه خیالی مشبه امری غیر واقعی و غیر موجود است و دو جز دارد و تک‌تک اجزا آن حسی است (همان: 69). تشبیه وهمی مشبه به غیر موجود مرکب از دو جز یکی از دو جز وجود خارجی ندارند، مانند دندان غول که غول وجود خارجی ندارد (همان: 69).

تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن

مفرد: تصور و تصویر یک هیئت یا یک چیز است: گل. مقید: تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد: جام بلورین (همان: 71). مرکب: مقصود از مرکب بودن جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست، بلکه مرکب یک هیأت انضمامی است و به قول قدما مرکب، هیأت منتزع از چند چیز است و با زبان امروزی تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن نقش داشته باشند (همان: 71).

تمثیل allegory

تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتاب‌های بلاغت فراوان دیده می‌شود (کدکئی، 1391، 77).

تشبیه تمثیل

تشبیه که وجه شبه آن مرکب باشد، هر تشبیه تمثیلی مرکب هست، اما هر تشبیه مرکبی تمثیل نیست (شمیسا، 1370، ص 104). تشبیه تمثیلی مشبه به آن جنبه مثل یا حکایت دارد.

تشبیه حماسی

تشبیه حماسی که فرنگیان به آن Epic Simile می‌گویند و آن را از مختصات آثار حماسی ذکر کرده‌اند، تشبیهی است که برخلاف تشبیهات معمولی که موجز است، گسترده باشد و مثلاً فقط حال مشبه را بیان نکند، بلکه مفصلاً به توصیف مشبه به هم پردازد (همان، 60 و 125).

استعاره metaphor

استعاره در لغت مصدر باب استفعال است، یعنی عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگر، زیرا شاعر در استعاره، واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برد. استعاره فقط مشبه به باقی می‌ماند و هر استعاره‌ای جمله‌ای تشبیه‌ای است. در تشبیه شباهت در استعاره همانندی و یکسانی وجود دارد، در بحث استعاره به مشبه، مستعارله و به مشبه به، مستعاره منه و به لفظ استعاره، مستعاره و به وجه شبه جامع می‌گویند (همان: 141-145).

استعاره مصرحه

استعاره به کار بردن واژه‌ای به جای واژه دیگری به علاقه مشابهت وجود قرینه است، یا تشبیهی است که در آن فقط مشبه به به جا مانده باشد، مانند شیر که استعاره از فرد شجاع است (همان: 145).

استعاره مرشحه

در این استعاره مشبه به را همراه با یکی از ملائمت خود آن مشبه به ذکر می‌کنیم و این بهترین نوع استعاره است که در آن ادعای یکسانی و این همانی به اوج خود می‌رسد. استعاره مرشحه یعنی تقویت شده و قوی (همان: 147).

استعاره مکنیه یا بالکنایه

در این نوع استعاره برخلاف بقیه مشبه را ذکر نمی‌کنند نه مشبه به را و آن را در دل و ضمیر خود به جاننداری تشبیه می‌سازند و سپس برای آن که این تخیل را به خواننده منتقل شود یکی از صفات یا آن جاندار را بیان می‌کنند (همان: 155).

تشخیص personification

یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد (کدکئی، 1391، 149). تشخیص یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر است که تصرف ذهن شاعر در اشیاء و عناصر بی‌جان طبیعت است و از رهگذر نیروی تخیل به آنها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه همه چیز در نظر مخاطب، سرشار از حیات و زندگی و حرکت می‌شود (کدکئی، 1391: 149) انواع تشخیص: تصریحی، کنایی، مناظروی، ندایی، فعلی، تمثیلی، روایی.

تفاوت تشبیه و استعاره

تشبیه مبتنی بر ادعای شباهت آنالوژی و استعاره بر ادعای یکسانی است. ادعای شباهت در تشبیه صراحت دارد و در استعاره صریح نیست (شمیسا: 1370، 57 و 58).

کنایه sarcasm

یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار کنایه است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم لذت بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می‌نمایند، از رهگذر کنایه می‌توان به اسلوبی دلکش و موثر بیان کرد جای بسیاری از تعبیرات و کلمات زشت و حرام را می‌توان از راه کنایه تغییر داد. (کدکئی، 1391، 140) کنایه در واژه یعنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح، حرفی می‌باشد که شامل دو معنی نزدیک و دور است و

این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. پس گوینده آن جمله را جوری ترکیب می‌کند و استفاده می‌کند که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور انتقال یابد.

بدیع

علم بدیع در دو حوزه صورت و معنا در سخن شاعران ایجاد زیبایی و افزونی معنا می‌کند.

صنایع لفظی

صنایع لفظی در علم بدیع مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

تکرار

تکرار واک، هجا، واژه و عبارت، روش تکرار معمولاً در سطح کلام بررسی می‌شود. (شمیسا، 1385: 20)

تکرار واک

یعنی تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه یا جمله و بر دو نوع است: هم‌حروفی که تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله است و دومی هم‌صدایی و آن تکرار یا توزیع مصوت مصوت در کلمات است (همان: 21)

تکرار هجا

یعنی تکرار یک هجا در متن کلام، معمول‌ترین آن تکرار ادات جمع است (همان: 22)

تکرار واژه

تکرار واژه در کلام است، تکرار افزودن موسیقی به وسیله تکرار واک‌ها و... است (همان: 1 و 22)

روش تسجیع

روش تسجیع به وجود آوردن یا افزون کردن موسیقی کلام به وسیله هماهنگ کردن کامل یا نسبی کلمات و جملات است به مصادیق روش تسجیع در سطح کلمات سجع و در سطح جملات ترصیع گویند (همان: 4).

سجع در کلمه

سجع به معنی آهنگ است و به کلامی بین کلمات آن هماهنگی باشد کلام مسجع گویند (همان: 4).

سجع متوازی

تقابل کلمات هم‌هجایی است که اولاً تعداد امتداد هجاها مساوی باشد و ثانیاً واک‌های اصلی آخر کلمه حتماً متفاوت باشند. هرچه واک‌های مشترک بیشتر باشند، سجع متوازن موسیقایی‌تر است (همان: 5).

سجع متوازی

تقابل کلمات یک هجایی است که فقط در صامت نخستین متفاوت باشد (همان: 4).

سجع مطرف

تقابل دو کلمه است که اولاً یکی از کلمات نسبت به دیگری هجایی در آغاز بیشتر داشته باشد و ثانیاً صامت نخستین هجای قافیه متفاوت باشد (همان: 5). سجع مطرف یعنی طرف دار یک طرف از طرف دیگر سنگین یا متمایز باشد.

مبالغه و اغراق و غلو

مبالغه و اغراق و غلو: توصیفی که در آن افراط و تاکید باشد. بیانی: افراط و تاکید در توصیفی که حاصل تشبیه و استعاره مانند: قد او مانند سرو است. (همان: 77) قدیم‌ترین جایی که در کتب بلاغت اسلامی بحثی از اغراق شده، کتاب البدیع ابن معتر است که از آن به عنوان الافراط فی الصفة نام می‌برد و ارسطو در خطابه از افراط سخن می‌گوید و نمونه‌ای که می‌آورد، نشان می‌دهد که مقصود او همان چیزی است که در بلاغت اسلامی به عنوان اغراق یا غلو و مبالغه معرفی شده است و می‌گوید از افراط‌هایی که برای تعظیم آورده می‌شود، با اینکه می‌دانیم گوینده‌اش دروغ می‌گوید (کدکئی، 1391: 130).

مراعات النظیر (تناسب)

واژه‌های کلام اجزایی از یک کل باشند و از این جهت باهم ارتباط داشته باشند (شمیسا، 1385: 43).

تحلیل

نظام موسیقایی

وزن

وزن رمل جایگاه خاصی در نظام موسیقایی شعر شاعر دارد. 45 غزل و قصیده کردی او در بحر رمل است. شش قطعه شعر فارسی او نیز به بحر رمل است. مجموعاً 51 غزل و قصیده او در بحر رمل است. از تعداد شش قطعه شعر (یک قصید و پنج غزل) او که نام سیروان در آن ذکر شده است نسبت پنج به شش است. یکی از اشعار او در بحر مضارع بود. در حقیقت پنج ششم وزن شعر او را بحر رمل تشکیل می‌دهد. یکی از شگردهایی که احمد مختار جاف، در کاربرد نام‌های خاص به کار می‌برد، بهره از حوزه موسیقایی شعر است و این اسامی را به توجه به جایگاهشان در شعر در ابتدا، صدر، عجز و قافیه شعر به کار می‌برد.

قافیه آغازین

قافیه آغازین، در برانگیختن توجه خواننده به شعر و فضای آن از اهمیت خاصی برخوردار است. شاعر در شعر خود نام مکان‌های محبوب خود را گاهی در آغاز ابیات به کار می‌برد، از این روی توجه خواننده را به محتوای شعر خود جلب می‌کند.

گرپه و گرپی تهنوره بلیسهی ههناوهکهه
 سیروان و تانجهرویه خوری ئاوی چاوهکهه

(رئین، 2023: 154)

قافیه پایانی

کاربرد ماقبل قافیه و ردیف

یکی از شگردهای احمد مختار جاف کاربرد سیروان در انتهای بیت و ماقبل قافیه و ردیف است. در حقیقت، این کاربرد نقشی موسیقایی دارد و به همراه قافیه و ردیف موسیقی کناری شعر را تشکیل می‌دهد. از این روی این نام براساس آهنگی که ایجاد می‌کند و در انتهای بیت قرار می‌گیرد در خاطر خواننده باقی می‌ماند.

بارش و بارانی ههوری چاوهکانم جاریه
 زهلمه یاخو تانجهرویه تیکه‌لی سیروان ئه‌کا

(همان: 108)

ئه‌ی نیگاری نازهنین لهو رۆژهوه دووری له من!
 سهیلی دیدهم وا به خوړ دئ هه‌ر وه‌کو سیروانه بۆت

(همان: 123)

لابه توو خوا نامه‌وئ دیجله و فورات و نیلی تو
 من به فرمیسک ئیسته‌که ته‌شکیلی سه‌د سیروان ئه‌که‌م

(همان: 150)

یه‌عنی ئاوی دیده‌کانی من له دووری قامه‌ت
 وا به‌خوړ دین هه‌ر له نه‌هری تانجه‌رو و سیروان ئه‌که‌ن

(همان: 170)

خوئنی چاوی کورده‌کانه بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئه‌که‌ن
 بۆیه‌ وایلاو و سوورن تانجه‌رو و سیروانه‌که‌ی

(همان: 252)

بیان

تشبیه

تشبیه، یکی از پرکارترین تصاویر شعری شاعر است. او عناصر جغرافیایی را به عنوان یکی از طرفین تشبیه خود برمی‌گزیند همین سبب می‌شود که تشبیهات او حسی شود و رنگی از اقلیم و زادگاه شعر به خود بگیرد.

ئه‌ی نیگاری نازهنین لهو رۆژهوه دووری له من!
 سهیلی دیدهم وا به خوړ دئ هه‌ر وه‌کو سیروانه بۆت

(همان: 123)

خوئنی چاوی کورده‌کانه بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئه‌که‌ن
 بۆیه‌ وایلاو و سوورن تانجه‌رو و سیروانه‌که‌ی

(همان: 252)

تشبیه تفضیل

بارش و بارانی ههوری چاوهکانم جاریه
 زهلمه یاخو تانجه‌رویه تیکه‌لی سیروان ئه‌کا

(همان: 108)

گرپه و گرپی تهنوره بلیسهی ههناوهکهه

سپروان و تانجه‌رویه خورهی ئاوی چاوه‌که‌م

(همان: 108)

تشخیص

وا دیاره لهم ولاتی کۆهساره عاجزه
مه‌یلی خاکی گهرمه‌سێر و ههم قه‌لای شێروان ئەکا

(همان: 108)

استعاره‌ مرشحه

ئهی نیگاری نازهنین له‌و رۆژه‌وه‌ دووری له‌ من!
سه‌یلی دیدهم وا به‌ خوڤ دێ ههر وه‌کو سپروانه‌ بۆت

(همان: 123)

بدیع

اغراق

اغراق یکی از شگردهای شاعر برای بیان احساسات خود است. او مخصوصاً احساسات حزن‌انگیز خود را با بیانی اغراق‌آمیز تصویر می‌کند.

بارش و بارانی هه‌وری چاوه‌کانم جارییه
زه‌لمه‌ یاخۆ تانجه‌رویه‌ تیکه‌لی سپروان ئەکا

(همان: 108)

ئهی نیگاری نازهنین له‌و رۆژه‌وه‌ دووری له‌ من!
سه‌یلی دیدهم وا به‌ خوڤ دێ ههر وه‌کو سپروانه‌ بۆت

(همان: 123)

لابه‌ توو خوا نامه‌وێ دیجله‌ و فورات و نیلی تۆ
من به‌ فرمێسک ئێسته‌که‌ ته‌شکیلی سه‌د سپروان ئەکه‌م

(همان: 150)

خوێنی چاوی کورده‌کانه‌ بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئەکه‌ن
بۆیه‌ وا لێلاو و سوورن تانجه‌رۆ و سپروانه‌که‌ی

(همان: 252)

تناسب

بین بارش، باران و هور تناسب هست.

بارش و بارانی هه‌وری چاوه‌کانم جارییه
زه‌لمه‌ یاخۆ تانجه‌رویه‌ تیکه‌لی سپروان ئەکا

(همان: 108)

لابه‌ توو خوا نامه‌وێ دیجله‌ و فورات و نیلی تۆ
من به‌ فرمێسک ئێسته‌که‌ ته‌شکیلی سه‌د سپروان ئەکه‌م

(همان: 150)

گرپه‌ و گرپی ته‌نووره‌ بێنسه‌ی هه‌ناوه‌که‌م
سپروان و تانجه‌رویه‌ خوره‌ی ئاوی چاوه‌که‌م

(همان: 108)

یه‌عنی ئاوی دیده‌کانی من له‌ دووڤی قامه‌تت
وا به‌خوڤ دێن ههر له‌ نه‌هری تانجه‌رۆ و سپروان ئەکه‌ن

(همان: 170)

وا دیاره لهم ولاتی کۆهساره عاجزه
مهیلی خاکی گهرمه سێر و ههم قه لای شیروان نه کا

(همان: 108)

اشاره به دو احساس انسانی دارد
تناسب های مکانی

قهیسی عامیر جیگه پی وادی دوجهیل بوو چاوه کهم
خۆ منیش ئیستاکه وێلی ده شته کهی شیروانه تم

(همان: 141)

تقابل

میان دو بستر آب و آتش، یعنی شیروان و تنور، ایجاد تقابل کرده است.
گرپه و گرپی ته نووره بلێسهی هه ناوه کهم
شیروان و تانجه روپیه خورپی ئاوی چاوه کهم

(همان: 108)

تضاد و تقابل میان ویژگی های جغرافیایی و آب و هوای مناطق.
وا دیاره لهم ولاتی کۆهساره عاجزه
مهیلی خاکی گهرمه سێر و ههم قه لای شیروان نه کا

(همان: 108)

اشاره به دو احساس متضاد انسانی دارد.
تلمیح به ضرب المثل کردی

گرپه و گرپی ته نووره بلێسهی هه ناوه کهم
شیروان و تانجه روپیه خورپی ئاوی چاوه کهم

(همان: 108)

یک ظرب المثل کردی هست (ئاگر کهوته وه وتی کهس دهره قه تی من نایهت، ئاو وتی: منیش؟! ئاگر وتی: کئ به تویه تی چاوکال).
قهیسی عامیر جیگه پی وادی دوجهیل بوو چاوه کهم
خۆ منیش ئیستاکه وێلی ده شته کهی شیروانه تم

(همان: 141)

تلمیح به شخصیت مجنون.

واج آرای

«گ» در چند صامت تکرار شده است.

گرپه و گرپی ته نووره بلێسهی هه ناوه کهم
شیروان و تانجه روپیه خورپی ئاوی چاوه کهم

(همان: 108)

شیروان و تانجه روپیه به مثابه معشوق

گرپه و گرپی ته نووره بلێسهی هه ناوه کهم
شیروان و تانجه روپیه خورپی ئاوی چاوه کهم

(همان: 108)

تقسیم

وا دیاره لهم ولاتی کۆهساره عاجزه

مهیلی خاکی گهرمه سێر و ههم قه‌لای شێروان ئەکا

(همان: 108)

مرثیه

خوێنی چاوی کورده‌كانه بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئەکه‌ن
بۆیه وا لێلاو و سوورن تانجه‌رۆ و سێروانه‌که‌ی

(همان:)

اشاره‌های تاریخی

خوێنی چاوی کورده‌كانه بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئەکه‌ن
بۆیه وا لێلاو و سوورن تانجه‌رۆ و سێروانه‌که‌ی

(همان: 252)

ابهام

اشاره‌هایی که در این بیت هست هم معشوق را دربرمی‌گیرد و هم سرزمین و مردمش را.
خوێنی چاوی کورده‌كانه بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئەکه‌ن
بۆیه وا لێلاو و سوورن تانجه‌رۆ و سێروانه‌که‌ی

(همان: 252)

مجاز حال به محل

خوێنی چاوی کورده‌كانه بۆ وه‌ته‌ن شیوه‌ن ئەکه‌ن
بۆیه وا لێلاو و سوورن تانجه‌رۆ و سێروانه‌که‌ی

(همان: 252)

همذات‌پنداری شاعر با مجنون

قه‌یسی عامیر جیگه‌ی وادی دوجه‌یل بوو چاوه‌که‌م
خۆ منیش ئێستاکه وێلی ده‌شته‌که‌ی شێروانه‌تم

(همان: 141)

آهو

تشبیه معشوق به آهوی وحشی با تعبیر زیبایی کوردی «ئاسکی» که شاعر امیدوارانه می‌خواهد که معشوق رمیده اش آهوش به او انس بگیرد.
نیگار وه‌ک ئاسکی وه‌حشی وه‌ها بوو

ده‌موده‌س چۆن له‌گه‌ل خۆی ئاشنا کرد؟

(همان: 124)

شاعر در دیگر شواهد شعری خود از واژه ی فارسی بهره برده و با آن برای آهو تصویر سازی کرده است. تصاویر او را می‌توان در دسته ظاهری، صفت و سیرت و ترکیب اندام‌ها و خلقیات معشوق رده بندی کرد. صفاتی که از آهو می‌گیرد و به معشوق نسبت می‌دهد عبارت اند از:

الف) خلقیات و رفتار

سه‌یری به‌ختی نه‌حسی من که ههر گوریزانی له من
دلبه‌را! تۆ بۆچی مه‌شقی ئاهووی سه‌حرا ئەکه‌ی

(همان: 254)

ب) اندام

دوو دیده‌ی مه‌خمووری نیگارم به شه‌باهه‌ت
وه‌ک ئاهوو وه‌هایه که له خه‌و بێ له سه‌حه‌ردا

(همان: 103)

مهم وه‌کو نارنجی به‌غدا، ناف وه‌کو ئاهووی خوته‌ن

موو کهمه‌ر، روو وهک قه‌مه‌ر، سینه نه‌ری په‌نپان

(همان: 161)

ج) تصاویر ترکیبی مرکب از خلیات و اندام

به رهم وهک ئاهووی دهشت و، به روخ وهک ماهی تابانه

به بالا سه‌روی بوستان و دوو زولفه‌ینی که چین‌چینه

(همان: 202)

روئیه‌تی ئاهووی چین و نیگه‌هی ئافه‌تی دین

دهمی وهک فندق و لئوی هر ئه‌لئی گوناره

(همان: 180)

که وه‌قی س‌هف ده‌به‌ستن نه‌ونی‌هالی

به‌عه‌ینی گه‌له‌یی ئاهووی ته‌تاره

(همان: 191)

نیگاهی ئاهوو و له‌نجه‌ی وه‌کو که‌بکی ده‌ری وایه

به تی‌رنه‌ندازی و قرقا‌چکردن، تور‌که‌فتاره

(همان: 194)

شیخ احمد شاکلی

شاکلی یکی از شاعران محسوس‌اندیش است. او بسیار عینی می‌بیند و از دیده‌های خود تصاویری واقع‌گرایانه که شرایط اجتماعی را نیز نشان می‌دهد ارائه می‌کند.

سیروان

شاکلی در غزلی با احساسی نوستالژی از جغرافیای گرمیان یاد می‌کند. او در اشعار خود به هنگام دور افتادن از زادگاهش به مکان‌ها اشاره‌های خاص می‌کند. گویی که عاشقی است که از معشوق دور شده و درد فراق را با یادکردن از مکان‌های زادگاهش تسکین می‌بخشد. شاکله‌ل، کانی‌چال، سیروان و شیروانه گویی نام‌های چندگانه معشوقی یگانه است.

ئیشتی‌اقی ده‌شتی شاکله‌ل گاه‌گاه‌ی کانی‌چال

گه‌ه‌ه‌وای شیروانه گاه‌ی مه‌یلی سیروانی هه‌یه

(کاکه‌یی:)

او در تشبیهی نیمه انتزاعی نیمه محسوس که در حقیقت تشبیهی مرکب است، بهار را به گونه‌ای بسیار زیبا تصویر کرده است. مسیر شرقی سیروان را به مثابه تالو درخشان خورشید است به طلا و جواهرات آویخته بر پیکر عروس تصویر کرده است. این شعاع‌های زرین که با درخشش خود چشم‌ها را می‌نوازند گوش‌ها را بی‌نصیب نمی‌گذارند و با صدای خود گوش‌نوازی هم می‌کنند.

لای رۆژه‌لاتت ریگه‌که‌ی سیروان

بۆ بووکی وه‌ته‌ن هه‌یاسه‌ی زه‌رپی

(کاکه‌یی:)

یکی از تصاویر او که در خود ابهامی ظریف پنهان کرده بیت زیر است. او با یک نگاه ظریف موقعیت قلعه شیروانه و رودخانه سیروان را به خوبی تصویر کرده است. در ارتفاع بودن قلعه و در دره بودن سیروانه از سوی دیگر اشاره‌ای تاریخی به موقعیت باشندگان این دو مکان نیز دارد که کدام طبقه اجتماعی در هر کدام از این مکان‌ها می‌زیسته‌اند یا می‌زیند. او فرودستی و فرادستی و رقابت‌های اجتماعی این طبقات اجتماعی را نشان می‌دهد و از موضع طبقه اجتماعی خود برتری‌های معنوی خود را به رخ می‌کشد.

گردی شیروانه سه‌یرانی سیروان

مه‌نزه‌ری به‌رزی خاسی ئه‌میران

قه‌لای سه‌ربه‌رز و قه‌سر تاجدار

جیگه‌ه‌وشه‌تی میری کورده‌وار

چاو ئه‌ندازی تۆ دوو قه‌زای کوردن

یه‌ک له‌یه‌ک زیاتر به‌ده‌س و بردن

به ئیخلاسه‌وه ئاوه‌که‌ی سیروان

دامان بۆسته به‌کۆل به‌گریان

(کاکه‌یی:)

او در این ابیات، خالی از هر نوع تعلقات اجتماعی یک تصویر کاملاً طبیعی ارائه می‌کند که اشعار طبیعت‌گرایانه منوچهری در شعر فارسی را به یاد می‌آورد. سیروان در بهار با خروش خود زیبایی جریان آب را به چشمان بینندگان هدیه می‌دهد. باشندگان سیروان از روی قلعه رود خروشان را می‌نگرند. قطرات باران بر روی برگ‌ها و شاخه‌ها زیبایی طبیعت را دو چندان کرده‌اند.

به‌هاران و ئیوارهی دهشتی سیروان

بباری جار به جاری تاوی باران

به‌سهر به‌رگی گل و چلدا بچوئی

جلی سه‌رمایی زستانی بگوئی

(کاکه‌بی:)

وان قطره باران که برافتد به گل سرخ

چون اشک عروسیست برافتاده به رخسار

وان قطره باران که برافتد به سرخوید

چون قطره سیمابست افتاده به زنگار

(منوچهری)

ترکیب تشبیه و جناس

یکی از شگردهای شاکلی ترکیب تشبیه و جناس است به بهانه حضور سیروانه و شیروان در شعرش.

گردی شیروانه سه‌یرانی سیروان

مه‌نزه‌ری به‌رزی خاصی ئه‌میران

(کاکه‌بی:)

شیروانه

واج‌آرایی

در بیت زیر تناسب آوایی خاصی به وسیله «ش» بین آواهای بیت ایجاد کرده و موسیقی درونی شعر را تقویت کرده است. این تناسب آوایی شاککل و شیروانه را برجسته ساخته است.

رینگه‌ک‌ت په‌رژین ئه‌ک‌م تا شاککل و شیروانه بۆت

حه‌یفه بۆچی تو نه‌بینی ده‌شته سه‌وزو شینه‌ک‌م

(کاکه‌بی:)

تشبیه

عمق احساس شاعر به شیروانه چنان است که آن را به بهشت تشبیه می‌کند. این غزل شعر بوی جوی مولیان رودکی را تداعی می‌کند. شاعر نمی‌تواند بین شیروانه و شاکلی انتخابی داشته باشد. به شیروانه می‌رود دلتنگ شاکلی می‌شود و به شاکلی می‌رود یاد شیروانه او را هوایی می‌کند. بقیه غزل را بیاوریم مه‌گهر شیروانه جه‌ننه‌ت بوو جه‌نابی تو که بوی پۆی له‌ده‌رکی ئه‌سفه‌لا مامۆ منی لایق به په‌نجووری

(کاکه‌بی:)

شاعر نه فقط مکان را مد نظر دارد بلکه گوشه چشمی هم به زیبارویان آن سرزمین هم دارد. بسیاری از این تصاویر با تصاویر غزل‌های عاشقانه بینامتنیت دارد.

خاکی شیروانه که‌وا پر بتی مونته‌خه‌به

گه‌ردشی چه‌رخ ئه‌گهر بیه‌ئی به‌ئی جیتی ته‌ره‌به

مه‌نبه‌عی حوسن و جه‌مال و ته‌ن سیم ته‌نان

هه‌موو زیبا سه‌نمی باده‌ک‌ه‌ش و نوش له‌به

غاره‌تی هوشی منی کردووه سه‌لما ره‌وشی

له‌یلا ئاسا و شه‌کر شیوه و شیرین له‌قه‌به

په‌رییه‌گاه و گه‌هی حوور و گه‌هی میسعی مه‌له‌ک

ساحیره سیحری هه‌یه کافره‌چهن بولمه‌جه‌به

ویستی لیتی ماچی بکا ئه‌حمه‌د و نه‌ی داووتی

چه‌نده سه‌رشیتته ئه‌م کوره‌خودا چه‌ن بی ئه‌ده‌به

(کاکه‌بی:)

ترکیب اغراق و تشبیه

شاعر میزان اشتیاق خود را به دیدن شیروانه و شاکلی را چنان مبالغه‌آمیز وصف می‌کند که می‌خواهد طیاره‌آسا خود را برای دیدن آن دو سرزمین برساند بۆ ته‌ماشای شاککل و شیروانه ئازیز فیکری خۆم هه‌روه‌کو ته‌بیاره بۆ ئه‌وچی سه‌ما په‌رواز ئه‌ک‌م

(کاکه‌بی:)

حسن طلب

شاعر از امیر شاکل و شیروانه تقاضای صله و انعام دارد و او را تهدید می‌کند که در غیر این صورت شیروانه و شاکل را ترک می‌کند و در کانی چال گوشه‌انزوا اختیار می‌کند.

شاکهل و شیروانه میرم که‌وته ژیره‌نجه‌ی نیفاق
هه‌رجه‌نی بی پووله خوتبه و شیعیری من بو ئیتیفاق
(کاکه‌بی:)

بقیه غزل را بیاوریم

دلبستگی و نوستالژی برای شهرش

شاکهل و شیروانه میرم یا به جاری تهرک ته‌که‌م
گوشه‌ی ته‌گرم له کانی چال و خۆم بی تهرک ته‌که‌م
(کاکه‌بی:)

نتیجه‌گیری

شاعر معاصر کرد، شاکلی، در اشعار خود از زبان غنی و تصاویر واقع‌گرا برخوردار است. ایشان با احساسات نوستالژیک خود و عشق به زادگاه، تصاویر ویژه‌ای از جغرافیای خود را به تصویر می‌کشند. از ترکیب تشبیه و جناس تا توانایی در واج آرایی و استفاده از صداها، شاکلی از ابزارهای زبانی به خوبی استفاده می‌کند.

عشق مستدام به شهر و طبیعت خود، ترکیب اغراق و تشبیه در ایجاد تصاویر و تناسب آوایی نشان از حساسیت و ذوق شاعر در آفرینش شعر دارد. شاکلی با توجه به ارتباطات عاطفی با مکان‌های خاص، افکار طبیعت‌گرایانه، و ترجمه عمیق احساسات خود به تصاویر زیبا، شعری متفاوت و غنی ارائه داده است.

در مجموع، شاکلی با استفاده از زبان شعر، ارتباط عاطفی با مکان‌های خاص و تصاویر زیبا، دنیای شگفت‌انگیز خود را به خوبی بازنموده و خواننده را در سفری شعری با خود می‌برد.

احمد مختار جاف شاعری گریان است. او در ابیات زیادی اشک‌ریزی خود را توصیف و تصویر کرده است. دلبستگی او به سیروان و تانجه‌رویه، سبب شده که یک‌طرف تصویر او درباره‌ی اشک این دو رودخانه‌ی مهم باشند و یک طرف دیگر تصاویر او اشک جاری از چشمان اوست. احمد مختار جاف و احمد شاکلی با تصویرسازی و به شکل کشیدن درون خود به صورت‌های مختلف شکل جدیدی را تعریف می‌کنند.

منابع

1. پتین، کاروان عثمان خیاط (2023): «کوبه‌ره‌می ته‌حمه‌دموختار جاف»، چاپ اول، انتشارات کردستان، سنج.
2. کاکه‌بی، هاشم (): «دیوانی شیخ ته‌حمه‌دی شاکه‌لی»، چاپی پتینجه‌م، چاپخانه‌ی، سلیمانی.
3. شمیس، سیروس (1397): «نگاهی تازه به بدیع»، چاپ سوم، ویراش دوم، فردوس.....
4. کدکئی، شفیع (1391): «صور خیال در شعر فارسی»، چاپ پانزدهم، نشر آگه، تهران.
5. شمیس، سیروس (1385): «بدیع»، چاپ اول، چاپخانه انتشاراتی دانشگاه پیام نور، تهران.
6. شمیس، سیروس (1370): «بیان»، چاپ رامین، انتشارات فردوس و مجید، تهران.
7. کاظم حسنوند، زینب رجبی (1399): «مقاله تبیین نقش و جایگاه آرایه‌ی تشخیص در شعر و نگارگری ایران، شماره 3، صفحه 87-107.
8. شیخ بزنی (ماموستا)، سه‌عد فاروق (2011): «بنیاتی هونه‌ری له شیعیری ته‌حمه‌دموختار به‌گی جافدا»، چاپی یه‌که‌م، چاپخانه‌ی روشنی‌ر، هه‌ولیر.
9. که‌ریم، هتیم (2021): «پرونیژی له شیعیری ته‌حمه‌دموختار جافدا»، چاپی یه‌که‌م، چاپی ری‌دار، سلیمانی.
10. که‌ریم، هتیم (2019): «لیکدانه‌وه‌ی هتیم‌کانی چاو و په‌یوه‌سته‌کانی له شیعیری حافز و ته‌حمه‌دموختار جافدا»، کونفرانسی هاوبه‌شی نیوده‌وله‌تی توژی‌نه‌وه‌ی زمان و وژی‌هی کوردی و فارسی زمانناسی بووتیق، زانکوی کوردستان، سنه.
11. که‌ریم، هتیم (2021): «درکه و خواستن، خسته‌رووی واتا شاراو‌ه‌کانی دهق، به نمونه ده‌قه شیعیری ته‌حمه‌دموختار جاف»، گو‌فاری نیوده‌وله‌تی کوردینامه، ژماره 5، لایه‌ره 97-112.
12. مه‌جید، سهردار فایه‌ق (2019): «بزوتنه‌وه‌ی پروناکییری له ته‌ده‌بی کوردیدا به نمونه‌ی شاعیران -ئه‌سیری و ته‌حمه‌دموختار جاف-»، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه سلیمانیه اقلیم کردستان عراق.
13. (2013): «دیداری تاییه‌ت به شاعیر ته‌حمه‌دموختار جاف»، شه‌ش نووسه‌ر، وه‌زاره‌تی روشنی‌ری و لاوان، چاپی یه‌که‌م، چاپخانه‌ی کاردو، سلیمانی.